

گفتمان‌های هویتی در خاورمیانه بر پایه نتایج نظرسنجی‌های مؤسسه پیو

حسن مجیدی^۱

استادیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۲/۰۳

چکیده

درک و شناخت تمایلات و علایق مردم خاورمیانه از جمله کشورهای عرب آن که در گفتمان‌های هویتی ریشه دارد، از رهگذر نظرسنجی‌های علمی بهتر صورت می‌گیرد. نظرسنجی‌های دوره‌ای و قابل توجه مؤسسه پیو می‌تواند در این راه یاری رسان باشد. این مقاله درصدد است با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه به توصیف و شناخت واقع‌بینانه‌تر گفتمان‌های هویتی مردم شش کشور مهم خاورمیانه یعنی مصر، تونس، اردن، ترکیه، لبنان و پاکستان بپردازد. گفتمان‌های هویتی که به نوعی حاصل مفصل‌بندی دال‌هایی مانند اسلام، آزادی، توسعه و در جمع‌بندی نهایی، نوع نسبت‌سنجی میان عناصر سنت و تجدد است. واقعیت آن است که بی‌قراری و شناوری دال‌های هویتی و تلاش برای حاکم شدن یک گفتمان از راه مفصل‌بندی‌های موقت میان دال‌های هویتی همچنان ادامه و استقرار یک گفتمان هویتی و تلاش برای به کنار نهادن گفتمان رقیب ادامه دارد. تحلیل نتایج این نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که تحلیل‌های ذهنی و یک‌سویه در شناخت ماهیت این جنبش‌ها نارسا است و تمایلات بعضاً متعارض مردم خاورمیانه در گرایش به جمع ارزش‌های اسلامی و لیبرالی در عین اقتصاد کارآمد، از رقابت گفتمان‌های هویتی حکایت دارد.

واژه‌های کلیدی: جنبش‌های عربی، گفتمان‌های هویتی، مؤسسه پیو، ارزش‌های اسلامی، ارزش‌های لیبرالی.

در صد سال گذشته، جوامع مسلمان منطقه خاورمیانه به‌ویژه در پی فروپاشی عثمانی، به‌شدت در صدد بازتعریف هویت خود در تعارض دینی و فرهنگی با غرب برآمدند. در این عرصه، گفتمان‌های هویتی مختلفی سعی در پاسخ‌گویی بدین نیاز مطرح شدند. در تعارض میان هویت عربی و ترک‌های عثمانی، هویت ملی عربی سعی در حاکم شدن داشت، اما این سویه هویتی در دوره ناصر که با سوسیالیسم مفصل‌بندی شده بود، در برابر نماینده نوپدید غرب یعنی اسرائیل شکست خورد. از آن پس و به‌ویژه بعد از ظهور انقلاب اسلامی ایران، گفتمان اسلام‌گرا رشد و گسترش یافت. این گفتمان اما در ابعادی تحت سیطره خرده‌گفتمان اسلام سلفی قرار گرفت و یک بار دیگر غرب جدید (امریکا) را به صحنه خاورمیانه کشاند و دو جنگ افغانستان و عراق را سبب شد.

این مقاله با طرح این پرسش که مردم خاورمیانه به‌ویژه در جهان عرب در جست‌وجوی چه هویتی هستند؟ به منزله پرسش اصلی خود و با ترسیم و تبیین گرایش‌های هویتی اخیر مردم خاورمیانه ذیل سه گفتمان هویتی اسلام‌گرایی، غرب‌گرایی و عمل‌گرایی مدعی آن است هنوز گفتمان غالب هویتی در مردم کشورهای خاورمیانه تحقق نیافته است. اما گرایش مردم به اسلام، دموکراسی و اقتصاد کارآمد خواسته و تمایلات اصلی مردم خاورمیانه را تشکیل می‌دهد. خواسته‌هایی که به نوعی نمایان‌گر سویه هویتی مردم این منطقه است. در این جهت سه گفتمان اسلام‌گرا، غرب‌گرا و عمل‌گرا از هم تمایز داده شده است. این مقاله با استناد به نظرسنجی‌های مؤسسه پیو به‌ویژه نظرسنجی سال ۲۰۱۲ موسوم به «جهان اسلام، اتحاد و تفرق» نگاشته شده است. انتخاب این کشورها بر اساس توزیع و پراکندگی آنها و نیز امکان انجام پیمایش به وسیله مؤسسه پیو بوده است. برخی کشورها از جمله عربستان، هند، چین و سوریه و ایران اجازه این پیمایش را نداده‌اند.

۱. مفهوم هویت

هویت یا «الهویه» کلمه‌ای عربی است. این کلمه از «هو» می‌آید. معنای این اسم «اتحاد به ذات» یا «انطباق به ذات» است. هویت به شیوه‌ای مربوط است که مردم درباره خود می‌اندیشند. تصور مردم از خود و موقعیت‌شان در رفتارشان مؤثر است. (دانشنامه انگلیسی



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

فصلنامه علمی - پژوهشی
مجمعۀ دراسات العالم الاسلامی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

اجتماعی) دهخدا هویت را به کیستی ترجمه کرده است که معادل فارسی آن پیناس است (وبگاه لغتنامه دهخدا).

هیچ «پدیده‌ای» نیست که «هویت» نداشته باشد. هویت عبارت از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان است که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر دلالت کند و آن یا آنها را در یک ظرف زمانی و مکانی معین به طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آنها متمایز سازد. هویت موضوعی پیچیده و متناقض‌نما (افروغ، ۱۳۷۹) است. هویت یک وجه ثابت و یک وجه متغیر دارد. وجه متغیر هویت باعث می‌شود هویت بتواند همواره خود را بازسازی و نوسازی کند. طبعاً در این فرایند دست به یک سری گزینش‌ها می‌زند. موضوع دیگری که به مسئله هویت برمی‌گردد و وجه متناقض‌نمایی آن را افزایش می‌دهد، این است که افراد به‌طور هم‌زمان به هویت‌های چندگانه وابسته هستند (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۲).

به‌نظر گیدنز هویت امری ساخته شده است. چون فرد دانش و اطلاعات خویش را در راه تعریف و نظم دادن دوباره به فعالیت‌ها و هویت خود صرف می‌کند و از این‌رو، به نظر گیدنز فرد هویت خود را می‌سازد. هویت شخصی مستلزم آگاهی بازتابی فرد است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۱-۸۲).

تا پیش از دوران تجدد، بشر با مفهوم هویت ملی به طور خاص و مفهوم هویت به طور عام آشنا نبوده است. البته هیچ اجتماع انسانی یا تمدن بشری بدون داشتن درکی از خود امکان شکل‌گیری ندارد؛ باین‌حال، برای تمدن ماقبل تجدد، در مواقع نادری هویت به مسئله تبدیل می‌شد (کچویان، ۱۳۸۷: ۱۶).

هویت از یک سو بر همسانی و تشابه و از سوی دیگر بر تفاوت و تمایز دلالت می‌کند؛ بدین معنا که اعضای یک گروه درون مرز مشخص و بر اساس «شاخصه‌های هویتی» به نوعی با هم شباهت دارند. از سوی دیگر، افراد در خارج از این محدوده و در فراسوی مرزهای نمادین از دیگر گروه‌ها متمایز و بر اساس ویژگی‌های اختصاصی و تفاوت با دیگران مشخص می‌شوند. به بیان دیگر، در خارج از مرزهای گروه به‌جای هویت با مفهوم هویت‌ها روبه‌رو هستیم که از تفاوت و گاهی تقابل هویت‌ها ناشی است.



هویت یک جنبه درونی شده و خود انتخابی بر اساس تجربیات درون و بیرون خانواده است. ما هویت خویش را با انتخاب ارزش‌ها، باورها و ویژگی‌هایی که تعریف زیباتری از «احساس به خود» می‌دهند، شکل می‌دهیم. ما همه مختلف هستیم و اینکه هرکدام از ما چیز مخصوصی برای تقدیم کردن داریم. تفاوت‌های ما هدیه‌ای است که به ما اجازه می‌دهد تا رشد کنیم. (گوانیپا^۱، ۱۹۹۸: ۱-۳).

هویت به عنوان پدیده‌ای که دامنه آن از خصوصی‌ترین تجلیات فردی تا عمومی‌ترین حوزه‌های اجتماعی را دربرمی‌گیرد، حاصل دیالکتیک خود و دیگری بوده که در میان طیفی از شبکه معنایی ذهن و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در حرکتی رفت و برگشتی قرار می‌گیرد (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۵۸). اینکه در یک جامعه انسانی چه عامل یا عواملی مرزهای نمادین یک جامعه و به دنبال آن هویت گروهی را مشخص می‌کنند، به عوامل گفتمانی^۲ بستگی دارد که فاکتورهای قدرت و هژمونی را شامل می‌شوند.

هویت‌های خالص مفاهیمی موهوم هستند که اغلب به واسطه ایدئولوژی‌های کلی پرداز عصر مدرن عنوان شده‌اند. به سخن دیگر، ایدئولوژی‌های مورد نظر در پی خالص‌سازی هویت قومی، ملی، مذهبی و غیره برآمده‌اند، اما از چشم‌اندازی غیرایدئولوژیک یا دیالکتیک تاریخی، هویت‌ها همواره ناخالص، مرکب، آمیخته، ناتمام، سیال و گذرا و در حال بازسازی هستند و به وسیله آنچه در قالب «غیر» تصور می‌شود، تعین و تشخیص می‌یابند. از چشم‌انداز دیالکتیک تاریخی، ملیت‌ها و اقوام به عنوان پدیده‌هایی اجتماعی همچون پدیده‌های دیگر، مقولاتی انضمامی، چندبعدی و مرکب هستند (بشیریه، ۱۳۹۲).

در حقیقت جهان امروز، جهان شبکه‌ای است به هم پیوسته از ویژگی‌های فرهنگی که بی‌مرکز درهم‌تنیده و چندوجهی است. در دنیای شبکه‌ای، هویت سرچشمه معنا و تجربه است. اما منابع هویت‌ساز دگرگون شده‌اند. مکان، فضا، زمان، فرهنگ، جامعه و دولت^۳ در قیاس با گذشته نقش‌هایی متفاوت دارند.

در یک دیدگاه کلی، می‌توان هویت را به دو نوع تقسیم کرد: (۱) هویت فردی، (۲) هویت اجتماعی. در هویت فردی، «من» در مقابل «دیگران» قرار می‌گیرد و تفاوت‌هایی که فرد با

1. Guanipa

2. Discursive

3. State

دیگران دارد آشکار و باعث ایجاد احساسات و علائق خاصی در فرد می‌شود (شرفی، ۱۳۸۰: ۸۱). هویت اجتماعی هویتی است که فرد در فرایند اجتماعی شدن و ارتباط با گروه‌ها یا واحدهای اجتماعی موجود در جامعه کسب می‌کند و مشخص‌ترین آنها گروه یا واحد اجتماعی یا حوزه و قلمرویی است که خود با ضمیر «ما» به آن اشاره می‌کند و خود را از لحاظ عاطفی و تعهد و تکلیف، متعلق و متسبب و مدیون به آن می‌داند (عبداللهی، ۱۳۷۴: ۱۴۲). هویت اجتماعی خود اقسامی دارد:

الف) هویت فرهنگی: ویلیام هنوی معتقد است، هویت فرهنگی حاکی از تداوم بین گذشته و حال است و نفس این تداوم خود بر شناخت گذشته دلالت می‌کند (هنوی، ۱۳۷۳: ۴۷۲).

ب) هویت قومی: هویت قومی سنت فرهنگی مشترک و احساس هویتی است که قوم را به عنوان یک گروه فرعی از یک جامعه بزرگ‌تر مشخص می‌کند و اعضای هر گروه قومی را از لحاظ ویژگی‌های خاص فرهنگی از سایر اعضای جامعه خود متمایز می‌دانند (داوری، ۱۳۷۶: ۴۴).

ج) هویت ملی: «هویت ملی مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به عنوان یک واحد سیاسی است» (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۹۷). هویت‌های ملی براساس مرزبندی‌های جغرافیایی و تشکیل جامعه سیاسی شکل می‌گیرد (معینی علمداری، ۱۳۸۱: ۲۲ و ۲۶).

هویت ملی [به منزله یک هویت کلی شده] مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل عناصر و «الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به عنوان یک واحد سیاسی است. براساس این تعریف، هویت ملی به عنوان مفهومی مرکب و چندرکنی در نظر گرفته شده است که در سطح ذهنیت و رفتار یکایک شهروندان قابل بررسی و جست‌وجو است» (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۹۷). کاترین تهرانین اشاره می‌کند، به عنوان یک نتیجه عصر مدرن، هویت ملی معمولاً با دو نیروی متناقض اصلی معین می‌شود؛ نیروهای جهانی‌شدن^۱ از یک سو و نیروهای محلی‌گرایی^۲ از سوی دیگر که به طور هم‌زمان هویت ملی را کامل و تکه‌تکه می‌کنند و هر دو پدیده به وسیله روندهای ارتباطات رسانه‌ای تقویت می‌شوند (تهرانین^۳، ۱۹۹۸: ۲۱۱).

1. Globalization
2. Locality
3. Tehranian

۲. روش تحقیق و تحلیل

در این مقاله، از شیوه‌ای تحلیلی ترکیبی بهره گرفته می‌شود، به این صورت که برای تبیین گفتمان‌های هویتی از شیوه تحلیل گفتمان و برای عینی‌سازی و انطباق صورت‌بندی‌های گفتمانی در خاورمیانه از نتایج نظرسنجی‌های مؤسسه پیو بهره گرفته شده است. در واقع، از داده‌های حاصل از نظرسنجی‌های مؤسسه پیو در جهت عینی‌سازی تحلیل گفتمان استفاده شده است. البته ثقل بیشتر کار بر نظرسنجی‌های مؤسسه پیو است و از این جهت که گفتمان‌های هویتی ریشه در تمایلات و روایت‌های افراد از آرزوها و علایق و نیز موارد نفرت آنها دارد، کوشش شده است از نتایج نظرسنجی‌های مؤسسه پیو بهره گرفته شود. نظرسنجی‌هایی که عمدتاً بر پایه پروژه عقاید جهانی است و درباره خاورمیانه در مارس ۲۰۱۲ بعد از خیزش‌های مردمی عربی بیشتر در شش کشور نمونه خاورمیانه صورت گرفته است.

نظریه گفتمان لاکلا و موفه

از نظر لاکلا و موفه هر مجموعه‌ای از اعمال و اشیا و غیره وقتی معنا پیدا می‌کنند که درون یک گفتمان در کنار یکدیگر به هویتی خاص دست یابند که این هویت را در برابر مجموعه‌ای از دیگری‌ها^۱ به دست می‌آورند. «در اینجا، هر عملی را که به برقراری رابطه بین عناصر منجر شود، به گونه‌ای که هویت این عناصر در نتیجه این عمل تعدیل شود، مفصل‌بندی^۲ می‌نامیم. کلیت ساختاردهی شده حاصل از عمل مفصل‌بندی، گفتمان نام دارد. جایگاه‌های تمایز^۳ را زمانی که درون یک گفتمان مفصل‌بندی شده باشد، وقته^۴ می‌نامیم و در مقابل، هر تفاوتی را که از نظر گفتمانی مفصل‌بندی نیست، عنصر می‌نامیم».

مفاهیم اصلی نظریه گفتمان لاکلا و موفه را می‌توان به صورت زیر مشخص کرد:

گفتمان: کلیت ساختاردهی شده حاصل از عمل مفصل‌بندی است. گفتمان‌ها مجموعه‌ای از نشانه‌ها هستند که به شیوه‌ای معنادار با هم مرتبط شده‌اند. در واقع، گفتمان صورت‌بندی مجموعه‌ای از کدها، اشیا، افراد و غیره هستند که پیرامون یک نقطه کانونی تثبیت شده و هویت



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۱۸

سال چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۳

1. Othernesses
2. Articulation
3. Differential position
4. Moment

خویش را در برابر مجموعه‌ای از دیگری‌ها به دست می‌آورند. گفتمان‌ها تصور و فهم ما از واقعیت و جهان را شکل می‌دهند. بنابراین، معنا و مفهوم انسان از واقعیت همواره گفتمانی است. (تاجیک، ۱۳۸۷: ۹۷)

دال مرکزی^۱: نشانه‌ای که سایر نشانه‌ها در اطراف آن نظم می‌گیرند که البته تثبیت معنای نشانه‌ها حول دال مرکزی به صورت موقتی صورت می‌گیرد. دال مرکزی دالی است که نقشی محوری در نظام معنایی یک گفتمان دارد و به بقیه دال‌های آن معنا می‌دهد.

عنصر و وقته^۲: دال‌ها و عناصری که درون یک گفتمان مفصل‌بندی شده‌اند و موقتاً به هویت و معنایی دست یافته‌اند. این معانی و هویت‌ها کاملاً تثبیت شده نیستند و امکان تغییر آنها از طریق مفصل‌بندی‌های تازه وجود دارد. اشاره به موقعیت یک دال قبل از وارد شدن به فضای گفتمانی خاص است. اما وقتی این دال در یک گفتمان خاص به کار گرفته شد، به وقته تبدیل می‌شود؛ زیرا معنای آن به صورت موقت تثبیت می‌شود (سلطانی، ۱۳۸۴).

عناصر: دال‌ها و نشانه‌هایی که معنای آنها تثبیت شده نیست و گفتمان‌های مختلف سعی در معنادهی به آنها دارند. عناصر دال‌های شناوری هستند که هنوز در قالب یک گفتمان قرار نگرفته‌اند (تاجیک، ۱۳۸۷: ۹۷).

مفصل‌بندی^۳: هر عملی که میان عناصر مجزا و پراکنده ارتباط برقرار کند، به نحوی که معنا و هویت این عناصر در نتیجه عمل فوق تعدیل شود. این فرایند اشاره به گرد آمدن مجموعه‌ای از عناصر و چفت بست شدن آنها در یک نظام معنایی در درون یک گفتمان به صورت موقت دارد. در واقع، مفصل‌بندی باعث جوش خوردن دال‌ها حول یک دال مرکزی می‌شود (سلطانی، ۱۳۸۴).

مفهوم گفتمان در این نظریه کل جامعه و همه قلمرو زندگی اجتماعی را در بر می‌گیرد و طبعاً تحلیل گفتمانی آنها نیز کل حوزه اجتماعی را شامل می‌شود؛ زیرا آنها تمایز حوزه گفتمانی و غیرگفتمانی را نمی‌پذیرند. البته آنها امر واقع را انکار نمی‌کنند.

نظریه گفتمان لاکلا و موفه نظریه‌ای منسجم است که ابزارهای تحلیلی مناسبی برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی - سیاسی در سطح کلان در اختیار ما قرار می‌دهد. این نظریه

1. Nodal point

2. Element and moment

3. Articulation



به دلیل تأکید بر مسائلی مانند هویت به عنوان یک مدل مطلوب سیاست فرهنگی، برای جامعه‌شناسی سیاسی جدید شناخته شده است (تاجیک، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

گفتمان هویتی

هویت‌های کلی در پرتو گفتمان‌های سیاسی مسلط تعین می‌یابند. هر گفتمانی هویت و خودفهمی‌های فردی و جمعی را به شیوه ویژه‌ای تعریف می‌کند. از این رو، فهم هویت‌های عام و تحول در آنها نیازمند تحلیل گفتمان‌های مسلط است (بشیریه، ۱۳۹۲). می‌توان بر اساس تحلیل گفتمان، هویت را در ارتباط با چهار مؤلفه زیر مورد توجه قرار داد:

(الف) هویت برساخته‌ای گفتمانی است که ماهیتی ارتباطی دارد.

(ب) هویت بیشتر وجهی فرهنگی دارد.

(ج) هویت معطوف به سیاست تمایز و تفاوت است.

(د) هویت معطوف به سیاست‌های هویتی است (نظری و سازمند، ۱۳۸۵: ۶۰).

هویت با معنایی که شخص برای زندگی خود می‌یابد، پیوند مستقیمی دارد. شاید بتوان این نکته را با واژگان نهایی ریچارد رورتی بهتر توضیح داد. از نظر رورتی، واژگان نهایی واژگانی هستند که هنگامی که از کسانی خواسته می‌شود از امید و آرزوها و عقایدشان بگویند آنها را مطرح می‌کنند (رورتی، ۱۹۸۹: ۷۳). (حصاری و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰۲) چنین این واژگان یا مفاهیم برحسب تحلیل گفتمان لاکلا و موفه بهتر ارتباط این واژگان را مشخص می‌کند. دال مرکزی و دال‌های شناور و عناصری که با دال اصلی مفصل‌بندی می‌شوند.

بر این اساس، می‌توان چند گفتمان هویتی در خاورمیانه شناسایی کرد:

- گفتمان اسلام‌گرا که خود به خرده‌گفتمان‌های اسلام‌گرای لیبرال، ملی‌گرا، رادیکال و سلفی‌گرا تقسیم می‌شود؛

- گفتمان غرب‌گرا و عمل‌گرا.

- شاخص‌های گفتمان هویتی اسلام‌گرا؛ اعتقاد به نقش سیاسی اسلام، باور به اهمیت قرآن در زندگی سیاسی، قائل شدن به نقش اسلام در قانون‌گذاری و میزان محبوبیت شخصیت‌های اسلام‌گرا. در این بین، میزان محبوبیت و علاقه به جریان‌های اسلام رادیکال (گروه‌های جهادی، انقلابی و افراطی) برای سنجش شاخص هویتی اسلام رادیکال به کار می‌آیند.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۲۰

سال چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۳

- شاخص‌های گفتمان غرب‌گرا؛ میزان تمایل به دموکراسی، میزان محبوبیت امریکا، میزان باور به آزادی زنان، میزان علاقه به تفکیک جنسیتی و میزان محبوبیت مقامات غربی.
- شاخص گفتمان هویتی عمل‌گرا؛ میزان قائل شدن به نقش و اهمیت اقتصاد کارآمد و ضرورت حفظ وضعیت عمومی زندگی و نیز ارجحیت اقتصاد کارآمد بر دموکراسی.

جزئیات روش‌های نظرسنجی

پروژه دیدگاه‌های جهانی مرکز تحقیقاتی پیو بررسی‌هایی را درباره افکار عمومی کشورهای مختلف جهان انجام می‌دهد. نتایج این نظرسنجی براساس مصاحبه‌های رو در رو و تحت هدایت مؤسسه بین‌المللی تحقیقات و نظرسنجی پرینستون به دست آمده است. نتایج نظرسنجی بر نمونه‌های ملی مبتنی است. در زیر، به جزئیات بیشتر این نظرسنجی اشاره می‌شود.

روش:	مصاحبه رو در رو با افراد بالای ۱۸ سال
زبان:	عربی، ترکی، اردو
تاریخ مصاحبه‌ها:	نوزدهم مارس تا دهم آوریل ۲۰۱۲
اندازه نمونه:	هزار نفر
حاشیه خطا:	چهار ممیز دودهم درصد
نماینده:	این نظرسنجی نماینده نظر اعضای بزرگسال جمعیت را شامل می‌شود.

۳. گفتمان‌های هویتی در خاورمیانه

۳-۱- گفتمان اسلام‌گرایی

۳-۱-۱- نقشی مهم برای اسلام در زندگی اجتماعی

بسیاری از افراد در کشورهای دارای اکثریت مسلمان که در این مطالعه بررسی شدند، دوست دارند اسلام نقش و تأثیر زیادی در سیاست داشته باشد. اکثریت مردم پاکستان، اردن و مصر بر این باورند که قوانین کشور باید دقیقاً از قرآن تبعیت کند، درحالی‌که اکثریت مردم تونس و ترکیه معتقدند قوانین آنها باید دست‌کم تابع ارزش‌ها و اصول دین اسلام باشد. دیدگاه مردم



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

لبنان درباره این امر به طایفه و فرقه مذهبی افراد بستگی دارد.

جدول ۱: اسلام نقشی مهم و مثبت در سیاست بازی می کند

اسلام نقش مهمی ایفا می کند (%)	بالا بودن نقش اسلام خوب است (%)	بالا بودن نقش اسلام خوب نیست (%)
تونس	۸۴	۱۱
مصر	۶۶	۳۰
ترکیه	۶۴	۳۳
پاکستان	۶۲	۱۳
لبنان	۶۱	۳۶
اردن	۳۱	۴۶

اکثریت مردم این کشورها همچنین می گویند اسلام در اوضاع کنونی نقش زیادی در حیات سیاسی کشورشان دارد و آنها این امر را مثبت می دانند. مردم تونس اسلام را به عنوان عامل تأثیرگذار مهم و سازنده در حکومت کشور خود در نظر می گیرند. در گذشته این احساس که دین در سیاست تأثیرگذار است، به صورت قابل توجهی افزایش یافته است. اردن تنها کشوری است که اکثریت مردم (۶۳ درصد) معتقدند اسلام نقش کمی در سیاست های کشور دارد و بیشتر آنها نیز کم بودن تأثیر اسلام را امری منفی برای کشورشان در نظر می گیرند.

جدول ۲: نقش اسلام در سیاست چه اندازه است؟

کم	زیاد
تونس	۱۲
مصر	۳۵
ترکیه	۲۴
پاکستان	۲۵
لبنان	۳۶
اردن	۶۳



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های سیاسی جهان اسلام
جمعیت در اسات العالم الاسلامی

۱۲۲

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

به همین ترتیب، بیش از ۶۰ درصد مردم مصر، ترکیه، پاکستان و لبنان معتقدند اسلام نقش بزرگی در سیاست ایفا می‌کند. سه‌چهارم مسیحیان لبنان معتقدند اسلام نقش مهمی ایفا می‌کند، درحالی‌که میان سنی‌ها و شیعیان این میزان حدود ۵۴ و ۴۱ درصد است.

در لبنان، احتمال اینکه جوانان تأثیر سیاسی اسلام را امری مثبت ذکر کنند، کمتر است. فقط ۳۷ درصد جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال در لبنان از نقش مهم اسلام در سیاست استقبال می‌کنند. این میزان در میان لبنانی‌های بالای ۵۰ سال به ۵۱ درصد می‌رسد.

در پنج کشور از شش کشور مورد مطالعه، اکثریت زیادی از مردم معتقدند اسلام نقش مهمی در حیات سیاسی کشور ایفا می‌کند. در تونس، به عنوان کشوری با دموکراسی تازه که حزب اسلام‌گرای النهضة توانست در انتخابات مجلس اول اکثریت آرا را به دست آورد، ۸۴ درصد مردم معتقدند اسلام نقشی مهم در زندگی اجتماعی دارد. البته گرایش بعدی مردم تونس به حزب نسبتاً سکولار «ندا» که اکثریت پارلمان و نیز ریاست جمهوری تونس را در سال ۹۳ به دست گرفت و ریزش آرای حزب النهضة نشان داد مردم تونس در گرایش به اسلام سیاسی نگرش پایداری ندارند.

در مصر نیز ابتدا در زمان برگزاری این نظرسنجی اخوان المسلمین در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری پیروز شد. ۶۶ درصد مردم این دیدگاه را درباره اسلام داشتند. این رقم در دو سال قبل از آن حدود ۴۷ درصد بود.

مردم این کشورها علاقه شدیدی دارند که اسلام نقش مهم‌تری در حیات اجتماعی ایفا کند و بیشتر آنها دوست دارند اسلام دست‌کم از نفوذ و تأثیرگذاری خاصی در قوانین کشورشان برخوردار باشد. اکثریت مردم پاکستان، اردن و مصر بر این باورند که قوانین این کشورها باید تابع آموزه‌های قرآن باشد، ولی بیشتر مردم تونس و همچنین ۴۴ درصد مردم ترکیه معتقدند قوانین این کشور باید متأثر از ارزش‌ها و اصول اسلام باشد، ولی لزوماً نباید تابع قرآن باشد.

۳-۱-۲- دیدگاه‌های مختلف درباره میزان تأثیر قرآن

جدول ۳: انطباق قوانین با قرآن یا ارزش‌های اسلامی

قوانین باید دقیقاً تابع قرآن باشد (%)	قوانین باید تابع ارزش‌ها و اصول اسلامی باشد (%)	قوانین نباید تحت تأثیر قرآن باشد (%)	نظری ندارم (%)	
۸۲	۱۵	۰	۰	پاکستان
۷۲	۲۶	۱	۱	اردن
۶۰	۳۲	۶	۳	مصر
۲۳	۶۴	۱۲	۲	تونس
۱۷	۴۴	۲۷	۱۳	ترکیه
۱۷	۳۵	۴۲	۷	لبنان



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
جمعیت درآیات العالم الاسلامی

۱۲۴

سال چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۳

حدود ۴۰ درصد مردم لبنان معتقدند قوانین کشور نباید تحت تأثیر آموزه‌های قرآن باشد. البته مؤسسه پیو در نظرسنجی دیگری درباره روایت‌های فرقه‌های مختلف اسلامی و نگرش مردم خاورمیانه دست به نظرسنجی دیگری زده است. استخراج نتایج این نظرسنجی درباره کشورهای مورد مطالعه در مقاله حاضر نشان می‌دهد، ۷۲ درصد در پاکستان، ۷۸ درصد در مصر، ۷۶ درصد در اردن، ۳۵ درصد در تونس و ۶۶ درصد مردم ترکیه و نیز ۴۷ درصد مردم لبنان اعلام کرده‌اند که فقط یک تفسیر از اسلام وجود دارد. بر پایه این نظرسنجی درباره میزان اعتقاد به مسلمان بودن شیعیان، ۷۷ درصد سنی‌های لبنان، ۵۰ درصد سنی‌های پاکستان، ۶۰ درصد سنی‌های ترکیه، ۴۶ درصد سنی‌های تونس، ۴۲ درصد سنی‌های مصر قبول دارند که شیعیان مسلمان هستند (نظرسنجی پیو، ۹/۸/۲۰۱۲). اینکه کدام قرائت از اسلام بیشتر مد نظر مردم کشورهای مورد مطالعه است، با سنجش دیدگاه آنان درباره گروه‌های رادیکال اسلامی بهتر شناخته می‌شود. در میان همه این شش کشور، کمتر از ۲۰ درصد نظر مثبتی درباره القاعده یا طالبان دارند. در ترکیه و لبنان حمایت از این دو گروه کمتر از ۱۰ درصد است. در مصر، ۱۹ درصد مردم این دو سازمان تندرو را با دیدگاه مثبتی در نظر می‌گیرند.

۳-۲- گفتمان هویتی غرب‌گرا

میزان تمایل به هویت غرب و ارزش‌های غربی با شاخص‌هایی مانند دموکراسی، اعتقاد به تساوی و برابری زن و مرد و مخالفت با نابرابری جنسیتی، نگرش نسبت به کشورهای بزرگ غربی به‌ویژه آمریکا در این نظرسنجی آورده شده است.

۳-۲-۱- اکثریت مسلمانان خواستار دموکراسی و آزادی‌های شخصی در زندگی سیاسی هستند.

اکثریت مسلمانان خواستار دموکراسی، آزادی‌های شخصی و نیز حضور اسلام در زندگی سیاسی هستند و تعداد کمی بر این باورند که آمریکا مدافع دموکراسی است. درحالی‌که مدتی از نخستین تکان‌های مربوط به بهار عربی می‌گذرد، هنوز هم میل و علاقه شدیدی به دموکراسی در میان کشورهای عربی و سایر کشورهایی که مسلمانان در آنجا از اکثریت برخوردارند، وجود دارد. اکثریت قاطع مردم در لبنان، ترکیه، مصر، تونس، اردن و نیز پاکستان بر این باورند که دموکراسی بهترین شکل از حکومت است.

مردم این کشورها تنها از مفهوم کلی دموکراسی طرف‌داری نمی‌کنند، بلکه از ویژگی‌های خاص یک نظام دموکراتیک از قبیل انتخابات آزاد و آزادی بیان نیز حمایت می‌کنند.

جدول ۴: ادامه میل و علاقه به دموکراسی (درصد رجحان و برتری دموکراسی)

میزان تغییر	۲۰۱۲	۲۰۱۱	
+۳	۸۴	۸۱	لبنان
+۵	۷۱	۶۶	ترکیه
-۴	۶۷	۷۱	مصر
--	۶۳	--	تونس
-۱۱	۶۱	۷۲	اردن
۰	۴۲	۴۲	پاکستان

دموکراسی بهترین شکل حکومت

محبوبیت دموکراسی در لبنان بسیار بالا است. ۸۴ درصد مردم این کشور معتقدند دموکراسی به هرگونه حکومت دیگری برتری دارد. ۷ درصد نیز بر این باورند که



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
جمعیت دراست‌العلم الاسلامی
Islamic World Studies Association

مواردی وجود دارد که در آن یک حکومت غیر دموکراتیک ارجحیت دارد و ۹ درصد نیز معتقدند نوع حکومت هیچ گونه اهمیتی ندارد. گروه‌های مذهبی لبنان درباره این نکته هم عقیده هستند. ۹۰ درصد سنی‌ها، ۸۴ درصد شیعیان و ۸۳ درصد مسیحیان طرفدار دموکراسی هستند.

جدول ۵: میزان ترجیح دموکراسی

دموکراسی ترجیح دارد (%)	حکومت غیردموکراتیک نیز قابل ترجیح است (%)	مهم نیست (%)	
۸۴	۷	۹	لبنان
۷۱	۱۵	۵	ترکیه
۶۷	۱۹	۱۳	مصر
۶۷	۱۹	۱۱	تونس
۶۱	۲۴	۱۱	اردن
۴۲	۱۷	۲۲	پاکستان



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
جمعیت دراسات العالم الاسلامی
انجمن مطالعات جهان اسلام

۱۲۶

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

اکثریت مردم ترکیه، مصر، تونس و اردن دموکراسی را بهترین شکل حکومت می‌دانند. اردنی‌ها نسبت به سال قبل تمایل کمتری برای پذیرش این دیدگاه دارند. زیرا سال قبل ۷۲ درصد گفته بودند دموکراسی بهتر از هر شکل دیگر حکومت است، ولی امسال این رقم به ۶۱ درصد رسیده است.

پاکستانی‌ها کمترین علاقه و اشتیاق را به پدیده دموکراسی از خود نشان می‌دهند و فقط ۴۲ درصد مردم دموکراسی را شکل برتر حکومت می‌دانند.

اکثریت قاطعی از مردم در کشورهای عربی که در این مطالعه بررسی شده‌اند، بر این باور بودند که قیام‌های مردمی سال ۲۰۱۱ باعث گسترش دموکراسی در خاورمیانه خواهد شد. سه‌چهارم مردم مصر، ۷۰ درصد مردم تونس و دوسوم مردم اردن و لبنان بر این اعتقاد هستند.

جدول ۶: آیا قیام‌های مردمی سال ۲۰۱۱ باعث افزایش دموکراسی خواهد شد؟

بله (%)	خیر (%)	نمی‌دانم (%)	
۷۶	۲۳	۲	مصر
۶۹	۱۸	۱۴	تونس
۶۵	۲۰	۱۶	اردن
۶۵	۲۶	۹	لبنان
۳۴	۳۷	۲۹	ترکیه
۲۱	۲۰	۵۹	پاکستان

اختلاف عقیده درباره این موضوع در کشورهای ترکیه و پاکستان در بالاترین حد قرار دارد. در ترکیه، یک سوم (۳۴ درصد) بر این باور بودند که بهار عربی باعث گسترش دموکراسی در منطقه خواهد شد. در پاکستان، ۵۹ درصد جوابی به این پرسش ندادند و ۲۱ درصد نیز معتقدند این قیام‌ها باعث تقویت دموکراسی خواهد شد و ۲۰ درصد نیز در مقابل دیدگاه این گروه قرار می‌گیرند. این امر نشان می‌دهد که تمایلات و گرایش‌های دموکراسی‌خواهانه مردم این کشورها منتظر گذار جهان اسلام از اسلام فلسفی به اسلام مدنی آن‌گونه که بحرانی (۱۳۹۱) به آن پرداخته نمانده است. به نظر وی، تأمل در متن‌های فلسفی سیاسی در جهان اسلام حکایت از آن دارد که دو مفهوم از فرد را می‌توان در این در فلسفه سیاسی اسلامی یافت؛ یکی فرد فلسفی و دیگری فرد مدنی. آنچه می‌توانسته منشأ حرکت دموکراتیک باشد، فرد مدنی است. درحالی‌که در این سنت فکری اصالت به فرد فلسفی داده شده است. محوریت فرد فلسفی در اندیشه فلسفی باعث شده است تا مفاهیمی که می‌توانسته امکان حرکت دموکراتیک را فراهم آورد، نتواند رشد و بسط یابد، بلکه حتی این نحوه تفکر به نحو سلبی مانعی نیز برای آن بوده است.

۳-۲-۲- حمایت از برابری جنسیتی، ولی نه در همه زمینه‌ها

همان‌گونه که در میان این شش کشور دیدگاه‌های مختلفی درباره مذهب و نیز سیاست وجود دارد، درباره موضوع برابری جنسیتی نیز نظرگاه‌های متفاوتی به چشم می‌خورد. اکثریت مردم

این شش کشور معتقدند زنان باید از حقوقی برابر با مردان برخوردار باشند و میزان طرفداران این دیدگاه در ترکیه و لبنان به ۸۰ درصد می‌رسد. با این حال، در مصر که موضوع نقش اجتماعی زنان به یکی از موضوعات بسیار حساس در دوره بعد از سقوط مبارک تبدیل شده است، ۵۸ درصد مردم طرفدار برابری حقوق زنان و مردان هستند و ۳۶ درصد دیگر با این ایده مخالفت می‌کنند. تنها ۵۳ درصد مردان مصری طرفدار حقوق برابر زنان و مردان هستند. با اینکه بسیاری از مردم این کشورها از اصل کلی برابری جنسیتی حمایت می‌کنند، ولی اشتیاق چندانی برای برابری جنسیتی در امور سیاسی، اقتصادی و خانوادگی وجود ندارد. بالاترین میزان اختلاف جنسیتی در میان این کشورها به اردن مربوط می‌شود، جایی که ۸۲ درصد زنان و فقط ۴۴ درصد مردان معتقدند زنان باید از حقوقی برابر با مردان برخوردار باشند.

جدول ۷: درصد افرادی که معتقدند زنان باید از حقوقی برابر مردان برخوردار باشند

اختلاف	زنان	مردان	کلی	
۳۸-	۸۲	۴۴	۶۳	اردن
۲۲-	۸۷	۶۵	۷۶	پاکستان
۱۹-	۸۴	۶۵	۷۴	تونس
۱۰-	۶۳	۵۳	۵۸	مصر
۱۰-	۹۸	۸۸	۹۳	لبنان
۲-	۸۵	۸۳	۸۴	ترکیه

علاوه بر این، با اینکه اکثریت مردم از ایده برابری جنسیتی حمایت می‌کنند، این امر ضرورتاً در همه جنبه‌های زندگی اجتماعی و خصوصی مصداق ندارد. به عنوان مثال، دست کم نیمی از مردم تونس، پاکستان، ترکیه و اردن معتقدند مردان در عرصه سیاست قدرت رهبری بهتری دارند.

۳-۲-۳- رویکرد به امریکا

در میان کشورهای خاورمیانه، امریکا به عنوان حامی و کمک‌کننده پیشبرد دموکراسی در نظر گرفته نمی‌شود. در کشور تازه دموکراتیک شده تونس، فقط ۳۰ درصد مردم معتقدند واکنش



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۲۸

سال چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۳

مقامات امریکایی به تنش‌های سیاسی در کشور آنها تأثیر مثبتی به جای گذاشت. در میان شش کشور اسلامی که در این مطالعه بررسی شدند، لبنانی‌ها و تونسی‌ها بالاترین نظر مثبت را درباره امریکا دارند. در بقیه کشورها، دیدگاه مردم درباره امریکا چندان مثبت نیست. به عنوان مثال، کمتر از ۲۰ درصد مردم مصر، ترکیه و اردن نظر مثبت درباره دولت امریکا دارند.

جدول ۸: وجهه امریکا

دیدگاه منفی	دیدگاه مثبت	
۴۹	۴۸	لبنان
۴۵	۴۵	تونس
۷۹	۱۹	مصر
۷۲	۱۵	ترکیه
۸۰	۱۲	پاکستان
۸۶	۱۲	اردن

۳-۳- گفتمان هویتی عمل‌گرا

گفتمان هویتی عمل‌گرا نگرشی نتیجه‌گرا به زندگی و ارزش‌های آن دارد و به اهمیت بهبود شاخص‌های اقتصادی و ثبات سیاسی بیش از شکل و ساختار نظام سیاسی اهمیت می‌دهد. در این گفتمان کارآمدی، دال مرکزی است. در این گفتمان نتیجه و هدف بیش از وسیله اهمیت دارد. شاید راز به ثمر نشتن تلاش دولت مرسی در مصر نیز همین سویه هویتی مردم مصر باشد.

بسیاری بر این باورند که ثبات سیاسی اولویتی ویژه است و تعداد قابل توجهی نیز رشد و رونق اقتصادی را ترجیح می‌دهند. زمانی که از شرکت‌کنندگان در این بررسی پرسیده می‌شد که دموکراسی مهم‌تر است یا اقتصاد محکم، مردم ترکیه و لبنان تنها کشورهایی بودند که بیش از ۵۰ درصد دموکراسی را انتخاب می‌کردند. مردم مصر در پاسخ به این پرسش به دو دسته تقسیم می‌شدند و اکثریت مردم تونس، پاکستان و اردن، اقتصاد را به‌عنوان اولویت خود مطرح می‌کردند.

جدول ۹: کدام یک مهم‌تر است؟

اقتصاد قوی	دموکراسی خوب	
ترکیه	۳۷	۵۸
لبنان	۴۶	۵۳
مصر	۴۹	۴۸
تونس	۵۹	۴۰
پاکستان	۵۸	۳۴
اردن	۶۱	۳۳

در ترکیه و لبنان، جوانان عموماً دموکراسی خوب را بر اقتصاد قدرتمند ترجیح می‌دهند. در ترکیه ۶۶ درصد جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال معتقدند دموکراسی خوب بهتر از اقتصاد قوی است. این رقم در میان افراد ۳۰ تا ۴۹ سال و نیز افراد بالای ۵۰ سال به ترتیب ۵۷ درصد و ۵۱ درصد است. در لبنان، ۶۱ درصد جوانان دموکراسی خوب را بر اقتصاد قدرتمند ترجیح می‌دهند، اما در میان افراد ۳۰ تا ۴۹ سال و افراد بالای ۵۰ سال این رقم به ترتیب ۵۳ درصد و ۴۲ درصد است.

به صورت کلی، دیدگاه مردم درباره اوضاع اقتصادی در این کشورها بسیار تاریک است، اما ترکیه در این میان یک استثنا است. تقریباً ۶۰ درصد مردم ترکیه معتقدند اقتصاد کشورشان وضع خوبی دارد، اما ۷۰ درصد مردم پاکستان، لبنان، تونس، مصر و اردن ارزیابی‌های منفی درباره اقتصاد کشور دارند.

دموکراسی بر رهبری مقتدر ترجیح دارد، ولی نه ضرورتاً بر اقتصاد قدرتمند

اکثریت افراد در چهار کشور از مجموع شش کشور مورد مطالعه معتقدند برای حل مشکلات کشورشان باید به جای اتکا به رهبری قدرتمند، به شکل دموکراتیک حکومت تکیه کرد. در لبنان نیز این دیدگاه غالب است و ۸۰ درصد افراد معتقدند حکومت دموکراتیک بهترین ابزار برای مقابله با مشکلات کشور است. این رقم سال قبل حدود ۶۲ درصد بود.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۳۰

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

جدول ۱۰: تکیه کشور باید به کدام یک باشد؟

رهبری قدرتمند (%)	حکومت دموکراتیک (%)	
۱۹	۸۰	لبنان
۲۶	۶۸	ترکیه
۳۳	۶۱	مصر
۳۷	۶۱	تونس
۴۲	۴۹	اردن
۶۱	۳۱	پاکستان

تحلیل یافته‌ها

همچنان که گذشت، اسلام و دموکراسی مهم‌ترین سویه‌های هویتی مردم خاورمیانه را در پی بیش از ۱۰۰ سال کشاکش جهان اسلام میان سنت و تجدد شکل داده است. به نظر می‌رسد کشورهای اسلامی از میان عناصر تجدد با دموکراسی حداقلی و شکلی کمتر تعارض دارند و اسلام‌گرایی به منزله توجه به اجرای حداکثری شریعت اسلامی یا چنین ادعایی آن‌گونه که در عملکرد القاعده، طالبان و داعش بروز یافته به تدریج هواخواه کمتری پیدا می‌کند. این امر ممکن است به سکولار شدن جوامع اسلامی تعبیر شود. البته گرایش به اسلام قابل مفصل‌بندی با دموکراسی، مطالبه بیشتر مردم کشورهای مسلمان است و این امر به منزله تحقق و استقرار این خواسته نیست. قیام‌های مردمی جهان عرب در سال ۲۰۱۱ امیدواری به تحقق این آرزو را برانگیخت، اما به مرور سمت و سوی این تحولات دگرگون شد. به نظر می‌رسد بتوان از نتایج نظرسنجی مؤسسه پیو در تحلیل تحولات بعد از ۲۰۱۱ در شش کشور مورد مطالعه نیز بهره گرفت. در ادامه ضمن کاربست بیشتر روش در تحلیل گفتمان‌های هویتی هریک از این شش کشور نیم نگاهی کوتاه به آخرین تحولات این کشورها نیز صورت می‌گیرد.

تونس

گفتمان هویتی تونس حاصل مفصل‌بندی دموکراسی و اسلام‌گرایی است. اگرچه می‌توان گفت اسلام‌گرایی به عنوان دال مرکزی این گفتمان هویتی، جای خود را به دموکراسی به



منزله جلوه‌ای از تجددگرایی داده است. بعد از کاهش اقبال مردم تونس به حزب اسلام‌گرای النهضة، عملاً مجلس و ریاست جمهوری به دست حزب سکولار «ندای تونس» افتاده است، اما این اقتدار سکولارها به نحوی نیست که به حذف اسلام‌گرایان منجر شود. بازتاب مفصل‌بندی اسلام‌گرایی و دموکراسی در قانون اساسی جدید قابل توجه است. در این قانون، «اسلام» دین رسمی کشور معرفی شده است؛ باین‌حال، فعالیت سیاسی در نهادهای مذهبی ممنوع شده، حقوق زنان و آزادی دیگر ادیان و مذاهب و به طور کلی حق آزادی برپایی مناسک دینی در این قانون تضمین شده است. اجماع بر سر متن قانون اساسی زمانی حاصل شد که حزب اسلام‌گرای حاکم النهضة در چند مورد از اصرار بر ارجاع به قوانین شریعت در مواد قانون اساسی دست برداشت و با نیروهای سکولار مصالحه کرد. به اعتقاد ناظران، قانون اساسی جدید تونس نیز علاوه بر اینکه پایه‌ای برای توسعه دموکراتیک این کشور خواهد بود، نقشی راه‌گشا در جهان عرب بر عهده خواهد داشت. بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل متحد، تصویب قانون اساسی جدید تونس را «نقطه عطف تاریخی» نامید (روزنامه اعتماد، ۸/۱۱/۱۳۹۲).



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۳۲

سال چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۳

حقیقت آن است که اسلام‌گرایان با وجود توفیق در انتخابات و کسب بیشترین کرسی مجلس مؤسسان، در تدوین این قانون به خواسته خود نرسیدند. در قانون اساسی تونس که در بهمن ۱۳۹۲ تصویب شد، شکل حکومت این کشور جمهوری بر اساس حاکمیت قانون و اسلام نیز به عنوان دین اصلی آن معرفی شده است که هیچ‌کدام از این دو بند قابل اصلاح نیستند. نکته مهم در این بند از قانون اساسی تونس این است که جریان اسلام‌گرا اجازه ندارد شریعت اسلامی را به عنوان منبع قانون‌گذاری معرفی کند. به عبارت دیگر، تونس نخستین کشور عربی است که با وجود اکثریت اسلام‌گرایان در مجمع ملی مؤسسان، شریعت اسلام را به عنوان مبنای قانون‌گذاری در قانون اساسی قرار نداده است و صرفاً دولت موظف شد از شریعت اسلام پاسداری کند و نسبت به حفاظت از مقدسات کوشا باشد. یکی دیگر از مهم‌ترین فصول قانون اساسی تونس که جنجال زیادی نیز بر پا کرد، به «تکفیر» مربوط است. مجمع ملی مؤسسان تونس فصلی از قانون اساسی را تصویب کرد که به موجب آن «تشویق به خشونت و نیز حکم به تکفیر» را جرم تلقی می‌کند. این امر به منزله به حاشیه رفتن خرده‌گفتمان اسلام افراطی است. اما این قانون دست‌کم اصل تفکیک و استقلال قوا را

به رسمیت می‌شناسد. در این قانون، حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی مد نظر قرار گرفته است (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۱۱/۲۷).

به این ترتیب، می‌توان گفت گفتمان هویتی مردم تونس در طی دوران بعد از جنبشی که با خودسوزی بوعزیزی آغاز شد در نوسان بوده است. اسلام‌گرایی و دموکراسی هر دو عناصر و نشانه‌هایی بوده‌اند که کاملاً مفصل‌بندی نشده بودند و مفصل‌بندی تازه در قانون اساسی جدید نیز تا تثبیت زمان خواهد برد. در جهت حصول این مفصل‌بندی در فرایند غیریت‌سازی اسلام افراطی و نیز اقتدارگرایی هر دو به حاشیه رفته‌اند و برخلاف مصر که نوعی مفصل‌بندی بین سکولاریسم و اقتدارگرایی سر برآورد و عملاً دموکراسی بازنده شد. در تونس، گفتمان هویتی جدید بخت استقرار بیشتری یافته است.

مصر

تا قبل از ظهور جنبش مردم مصر، اقتدارگرایی سکولار گفتمان هویتی غالب مصر بوده است. نتایج نظرسنجی پیو در سال ۲۰۱۲ نشان داد میل به اسلام در میان مردم مصر بالا بوده است؛ درعین حال، دموکراسی نیز علاقه اغلب مردم مصر بوده است. می‌توان گفت اخوان المسلمین با ایجاد حزب آزادی و عدالت توانست مفصل‌بندی مناسبی میان این دو دال هویتی مردم مصر برقرار کند و رهبران آن در مقام سوژگی توانستند به این مفصل‌بندی رسمیت بخشند، اما نگاهی به رأی‌شکننده محمد مرسی (۵۱ درصد) در مقابل رأی نسبتاً بالای ۴۷ درصدی احمد شفیق که به نوعی نماینده دوران مبارک محسوب می‌شد، نشان داد گفتمان سیاسی حاصل مفصل‌بندی اسلام و دموکراسی در قامت حزب الحریه و العداله وابسته به اخوان چندان هم هژمونیک نشد و نوعی مفصل‌بندی میان غرب‌گرایی و عمل‌گرایی، گفتمان رقیب قدرتمندی ایجاد کرده بود. ظهور جنبش التمرد و موج‌سواری ارتش مصر و درنهایت کودتا بر ضد دولت مرسی و به قدرت رسیدن سیسی با تغییر قانون اساسی نشان داد که اسلام‌گرایی و دموکراسی تنها عناصر و نشانه‌هایی بوده‌اند که فرصت لازم برای تثبیت پیدا نکردند و در مقابل مفصل‌بندی دال‌های هویتی غرب‌گرایی و عمل‌گرایی و حتی اقتدارگرایی، زمینه بازگشت نظامیان به قدرت شد و عملاً اسلام‌گرایی که به اقتدارگرایی هم متهم شد، به افول گرایید. همچنان که دومانلو و دیگران (۱۳۹۳) نشان داده‌اند: «سواى ناکارآمدی در عرصه‌های



سیاسی و اقتصادی، بی‌توجهی رهبران سیاسی اخوان به بازتاب اقداماتشان در جامعه و معنایی که از حضور گسترده وابستگان و هواخواهان آنان در عرصه سیاسی برداشت می‌شد، علت اصلی طرح اتهام اقتدارگرایی و تمامیت‌خواهی علیه جماعت اخوان توسط مخالفان بود. به بیان دیگر، شکاف میان برداشت اخوان از معنای مشارکت سیاسی خود و برداشت سایر بازیگران از معنای این اقدامات، چرایی سرنوشت ناگوار محمد مرسی و سایر رهبران اخوان در عرصه سیاسی را نشان داد». براساس قانون اساسی جدید مصر تغییر یافته بعد از سقوط مرسی در سال ۲۰۱۴، تشکیل هرگونه «دولت مذهبی» ممنوع شده است و اگرچه تصویب قوانین در چهارچوب اسلام را الزامی دانسته، اما همه احزاب مذهبی را باطل خوانده است. یکی از اعتراض‌های مردم به قانون اساسی جدید، شباهت آن به قانون اساسی دوران مبارک است. مصر دارای شکاف‌های عمیق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شده است. قدرت حاکمیت در اختیار ارتش مصر و سران این ارتش است (قاسم‌زاده، ۹۲/۱۰/۲۵). در قانون اساسی مصر، بر اسلام‌گرایی به منزله منبع تشریع (ماده ۲) و نیز هویت عربی مردم مصر (ماده ۱) و نیز دموکراسی (مواد ۱، ۵، ۷۴) تأکید شده است. می‌توان گفت اسلام فقط منبع قانون‌گذاری است، اما در ماده ۷۴ تشکیل هرگونه حزبی بر اساس دینی ممنوع اعلام شده است. با اینکه نظام سیاسی مصر جمهوری دموکراتیک خوانده شده است، اما اسلام سیاسی رد شده است. در تشریح اصول دموکراسی در ماده ۵ بر کثرت‌گرایی سیاسی و تعدد احزاب، تفکیک قوا و احترام به حقوق بشر تأکید شده، در ماده ۶۴ آزادی اعتقاد در ماده ۶۵ آزادی بیان و اندیشه، در ماده ۷۵ بر حق تشکیل جمعیت‌ها و مؤسسات تأکید شده است (<http://www.sis.gov.eg/Newvr/consttt%202014.pdf>).

مقایسه‌ای میان نتایج نظرسنجی مؤسسه پیو و تحولات سیاسی بعد از ۲۰۱۲ در مصر نشان می‌دهد که اسلام و دموکراسی همچنان دال‌های هویتی مصر را تشکیل می‌دهد. نکته مهم آن است که قانون اساسی نسبتاً اسلام‌زدایی شده مصر، فقط مورد تأکید ۳۸ درصد رأی‌دهندگان مصری است. به بیان دیگر، در رفراندوم دی ماه ۱۳۹۲ برای تصویب قانون اساسی جدید مصر از جمعیت ۵۳ میلیونی حائزین شرایط رأی‌دهی فقط حدود ۲۰ میلیون شرکت کردند. یعنی، فقط ۶/۳۸ درصد واجدین شرایط در پای صندوق‌های رأی حاضر شدند (همشهری آنلاین، ۲۹/۱۰/۹۲). به این ترتیب، با توجه به تحریم این همه‌پرسی از جانب جریان‌های اسلام‌گرا و

برخی جریان‌های دموکراسی‌خواه، می‌توان گفت قانون اساسی جدید مصر گفتمان‌های هویتی مصر را نمایندگی نمی‌کند. حمایت غرب و گفتمان عرب محافظه‌کار از دولت جدید مصر نیز نشان داد که مصر جدید به دوران مبارک شبیه‌تر است تا به دوران جدید تونس.

ترکیه

غرب‌گرایی و اسلام‌گرایی سمت و سوی تحولات سیاسی و اجتماعی ترکیه در صد سال گذشته را توضیح می‌دهد. بعد از دهه‌ها غرب‌گرایی کمالیستی، گرایش به اسلام معرفی شده از جانب حزب عدالت و توسعه پاسخی به بحران هویت در ترکیه به حساب می‌آید. به نظر می‌رسد که یکی از علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه در دهه‌های اخیر، اقدام‌ها و برنامه‌های کمالیست‌ها از جمله سیاست‌های مذهب‌زدایی، کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و هنجارهای دینی و غیره باشند که به نحوی فرایند غیریت‌سازی را تشدید می‌کنند. زمانی که این غیریت در دو جبهه تحول گفتمان هویت در ترکیه از کمالیسم به اسلام‌گرایی با تأکید بر حزب عدالت و توسعه (داخلی) غیریت حاکمان و خارجی (غیریت‌سازی با غرب) به اوج خود رسید، جنبش‌ها و جریان‌های اسلام‌گرا در ترکیه فعال شدند. (امام جمعه‌زاده، رهبر قاضی و مرندي، ۱۳۹۲: ۵۰) با این حال، همچنان که داراب‌زاده و دیگران (۱۳۹۲) نوشته‌اند، سیاست‌های بازارمحور و مشی اقتصاد لیبرال در ترکیه که تورگوت اوزال از دهه ۱۹۸۰ پیگیری کرد، طلیعه تحولات ساختاری متعددی در حوزه‌های فرهنگی و اقتصادی و سیاسی در کشور ترکیه بود. برداشت گفتمانی و هویت‌محور و سازه‌گرا از اسلام، به مثابه عوامل اصلی نهادینگی نسبی دموکراسی در ترکیه محسوب می‌شود.

شاید بتوان گفت تحکیم یافته‌ترین گفتمان هویتی در میان کشورهای مورد مطالعه در ترکیه قابل شناسایی است. مردم ترکیه تقریباً میان اسلام و دموکراسی به منزله دو دال اصلی گفتمان هویتی خود به نوعی توازن و مفصل‌بندی مستقر رسیده‌اند. مردم ترکیه هم بر شاخص‌های اسلام‌گرایی یعنی مطابقت قوانین با ارزش‌های اسلامی تأکید دارند و هم دموکراسی را بهترین شکل حکومت می‌دانند. نکته مهم ترجیح بالای مردم ترکیه به دموکراسی در مقایسه با اقتصاد خوب در میان همه کشورهای مطالعه شده است. در عین حال، غیریت‌سازی نسبت به اسلام رادیکال در ترکیه در عین نفرت بالا از امریکا جالب توجه است. اینکه حساسیت





انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱۳۶

سال چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۳

مردم ترکیه کنونی نسبت به خطر افراط‌گرایی پایین است، در درک علت نزدیک شدن و حمایت دولت ترکیه از داعش قابل تأمل است. تحولات بعد از زمان این نظرسنجی از جمله نتایج انتخابات اخیر پارلمانی نشان داد که مردم ترکیه با وجود وفاداری نسبت به گفتمان سیاسی حزب عدالت و توسعه، اما از رفتار سیاسی انحصارطلبانه اردوغان رضایت ندارند، درحالی‌که اردوغان با کسب اکثریت قاطع پارلمانی درصدد بود به اصلاح قانون اساسی و تبدیل نظام سیاسی به ریاستی دست بزند، اما شکست و از دست دادن اکثریت پارلمان بعد از سال‌ها یکه‌تازی، از تحولات جدید در ترکیه حکایت دارد. هیچ‌یک از احزاب ترکیه برای تشکیل دولت حاضر به ائتلاف با حزب عدالت و توسعه نشده است و این امر نشان می‌دهد ترکیه اردوغان به دلیل حمایت از داعش و مدیریت غلط در قبال کردهای ترکیه، با چالش جدی مواجه است. درهرحال، ترکیه به دلیل اینکه الگوی بسیاری از جریان‌های حاضر در دولت‌سازی بعد از قیام‌های مردمی ۲۰۱۱ از جمله در مصر و تونس بوده است، بر روند این کشورها نیز اثر سرائیتی دارد. می‌توان گفت اسلام‌گرایی با اتهام انحصارگرایی هم در ترکیه هم در مصر و تونس روبه‌رو بوده است.

اردن

نتایج نظرسنجی درباره اردن نیز نشان می‌دهد گرایش به اسلام و دموکراسی در این کشور نیز بالا است. انطباق قوانین با قرآن با ۷۲ درصد رقم بالایی است که مردم اردن به آن رأی داده‌اند. اینکه ۶۱ درصد مردم دموکراسی را مطلوب می‌دانند؛ درعین حال، ۳۱ درصد به نقش اسلام در سیاست باور دارند به نوعی نشان از سکولار شدن جامعه اردن دارد. اما این امر به منزله کاهش نفرت از امریکا نیست؛ زیرا ۸۶ درصد پرسش‌شوندگان از امریکا اعلام نفرت کرده‌اند با وجود اصلاحات اقتصادی در اردن که از زمان ملک عبدالله اردن را به یکی از آزادترین و رقابتی‌ترین اقتصادهای خاورمیانه تبدیل کرد. اما اردن از مشکلات اقتصادی مزمن از جمله بیکاری رنج برده است (معارفی، ۱۳۹۰: ۱۵۱) این موضوع گویای علت گرایش ۶۱ درصدی به اقتصاد قوی نسبت به دموکراسی در اردن است. می‌توان گفت گرایش به گفتمان هویتی حاصل از مفصل‌بندی اسلام و دموکراسی در اردن نیز زمینه گسترده‌ای دارد، اما سیاست‌های آزادسازی اقتصادی و اجتماعی به نوعی مانع از تشدید تحرکات سیاسی همانند مصر، تونس

و لیبی در سالیان اخیر بوده است. ضمن اینکه همگنی و هویت نسبتاً یک دست مردم اردن نیز در بی ثبات نشدن این کشور بی تأثیر نیست.

پاکستان

دوگانه اسلام و دموکراسی کمترین پیوند را در پاکستان دارد. گفتمان هویتی مردم پاکستان احتمالاً تحت تأثیر اقتصاد به شدت ضعیف آن و نفوذ گسترده جریان‌های افراطی بیش از هر چیز به غیریت‌سازی نسبت به ارزش‌های غربی رو آورده است. تمایل ۴۲ درصدی به دموکراسی که کمترین حد آن در پاکستان است، در عین ترجیح ۵۸ درصدی اقتصاد خوب و ۶۱ درصدی رهبر قدرتمند نسبت به دموکراسی، گویای تمایلات متفاوت پاکستان در مقایسه با پنج کشور دیگر است. نفرت ۸۰ درصدی از امریکا در حالی است که ۸۲ درصد مردم خواستار انطباق دقیق قوانین با قرآن و نه فقط ارزش‌های اسلامی هستند، ولی در عین حال ۵۸ درصد از اسلام افراطی ابراز نگرانی کرده‌اند که البته کمترین میزان نگرانی است. این امر گویای آن است که درگیری مردم اسیر در تحولات پرفراز و نشیب سال‌های اخیر که حاصل منازعه نظامیان و سیاسیون و کشاکش میان جریان دموکراسی و بنیادگرایی است، احتمالاً تا سال‌های طولانی ادامه خواهد داشت. منازعه میان هند و پاکستان نیز به افزایش هویت یکپارچه ناشی از یک «غیر» یا «دیگری» بزرگ در پاکستان نیجامیده و صرفاً به تقویت نقش نظامیان کمک کرده است. پاکستان در تحولات سالیان اخیر بهار عربی، به دلیل وجود سازوکارهای دموکراسی که هر از گاهی با کودتای نظامیان به هم می‌ریزد، چندان دستخوش تحول نشد. هرچند سرانجام حداقل در ظاهر هم که شده نظامیان قدرت را به سیاسیون واگذار کرده‌اند. ظهور داعش باعث توجه کمتر نسبت به نقش طالبان به منزله نماد اسلام افراطی شده است. می‌توان گفت برخلاف نوسان در تمایلات هویتی مردم کشورهای عربی مورد مطالعه در این مقاله، پاکستان احتمالاً تا سال‌ها وضع کنونی را شاهد خواهد بود. در هر حال، به نظر می‌رسد گفتمان عمل‌گرا بیش از هر جا در پاکستان امکان بسط داشته باشد، اما تمایل بالای مردم به اسلام‌گرایی از نوع حداکثری آن مانع از تسلط عمل‌گرایی صرف است. هرچند همیشه میان رویکرد هویتی جامعه و دولت پاکستان فاصله معناداری وجود دارد.



لبنان

لبنان در عین حال که بیشترین درصد جمعیت غیر مسلمان (مسیحی) را در میان شش کشور مورد مطالعه دارد، دموکراسی خواه‌ترین کشور هم است. ترجیح ۸۴ درصدی دموکراسی، ترجیح ۵۳ درصدی آن حتی نسبت به اقتصاد خوب و به‌ویژه اعلام نظر جالب ترجیح ۸۰ درصدی دموکراسی بر رهبری قدرتمند، نشان از جامعه دموکراتیک شده لبنان دارد. می‌توان گفت دموکراسی دال مرکزی گفتمان مرکزی مردم لبنان بعد از آن اسلام‌گرایی آن هم نه با روایت خاص شیعی یا سنی، سویه‌های هویتی مردم لبنان را تشکیل می‌دهد. فضای دموکراتیک لبنان مانع از تأثیرپذیری از بهار عربی شد. می‌توان گفت اساساً لبنان از این حیث در جهان عرب بی‌نظیر بوده است، اما عامل هویتی غیریت‌سازی نسبت به «غیر» یا دیگری بزرگ یعنی رژیم اسرائیل در وجود نوعی همبستگی ذیل پرچم لبنان بی‌تأثیر نیست. هرچند این هویت ملی گاه تحت‌الشعاع هویت شیعی (حزب‌الله) یا هویت مسیحی قرار می‌گیرد. به هر ترتیب، حتی می‌توان گفت مدل تقسیم قدرت در لبنان الهام‌بخش برخی کشورهای نوظهور عرب مانند عراق در گرایش به دموکراسی بوده است. با وجود کثرت‌گرایی و نیز هم‌زیستی گفتمان‌های هویتی در لبنان، نمی‌توان از ضعف هریک از این گفتمان‌ها در استقرار دائم در لبنان سخن نگفت. عامل دخالت‌های خارجی وجود سایه سنگین رژیم صهیونیستی و نیز تنوع مذهبی و قومی رسیدن به گفتمان هویتی مستقر را با چالش روبه‌رو کرده است؛ با این حال، در لبنان گفتمان هویتی دموکراتیک بیشترین ظرفیت را برای استقرار در لبنان دارد و برخلاف دیگر کشورهای مورد مطالعه مفصل‌بندی اسلام و دموکراسی شکل‌دهنده به گفتمان هویتی لبنان نیست.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۳۸

سال چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۳

نتیجه‌گیری

هویت در عصر حاضر، ترجمان خواست‌ها، علایق، تمایلات و تصور انسان از خود و موقعیت خود است. اینکه انسان چگونه خود را روایت می‌کند و در ترجیح میان مفاهیم و ارزش‌های هویت‌بخش یا به تعبیر رورتی واژگان اصلی چینش هویتی خاص خود نمود دارد. یک انسان ایرانی ممکن است ابتدا خود را ایرانی سپس مسلمان و سپس کرد یا لر و سرانجام انسانی امروزی بداند و در مقابل دیگری ممکن است ابتدا خود را کرد، سپس مسلمان بعد ایرانی و در نهایت مدرن و امروزی خود را روایت کند. آنچه مسلم است هویت مردم جوامع در پرتو گفتمان‌ها شکل می‌گیرد. هویت مردم خاورمیانه به‌ویژه در شش کشور مورد مطالعه در این مقاله یعنی مصر، تونس، لبنان، اردن، ترکیه و پاکستان در دهه‌های اخیر سیال بوده است. با این حال، هویت اسلامی در نهاد مردم این منطقه رسوب کرده است. تجدد یا ملی‌گرایی نتوانسته است این رکن اصلی هویت مردم را تغییر دهد. در پی بروز جنبش‌های مردمی در سال ۲۰۱۱ در کشورهای خاورمیانه این پرسش مطرح شد که آیا این جنبش‌ها تکاپوی مردم خاورمیانه برای بازیابی هویت خود است یا نتیجه و نمود آن؟ نام‌گذاری‌هایی مانند «بیداری اسلامی»، «بهار عربی» یا «انقلاب‌های مردمی» و «جنبش‌های اجتماعی» به تنهایی نمی‌تواند هویت مردم خاورمیانه را بازگو کند. این مقاله با بهره‌گیری از نتایج نظرسنجی‌های مؤسسه پیو نشان داد که گفتمان‌های هویتی مردم خاورمیانه در منازعه و رقابت با هم در صدد حاکم شدن هستند. از میان نتایج نظرسنجی‌های مؤسسه پیو از پنج کشور مصر، تونس، اردن، ترکیه و پاکستان می‌توان دریافت که مردم همچنان در صدد بازیابی هویت اسلامی خود هستند. اما نه اسلام رادیکال در روایت سلفی در قالب سازمان‌هایی مانند القاعده یا گروه طالبان یا داعش؛ بلکه اسلامی که قابل مفصل‌بندی با دموکراسی باشد. بنابراین، گفتمان غرب‌گرا در خاورمیانه نیز نفوذ جدی دارد، اما ذیل اسلام‌گرایی تعریف می‌شود. گفتمان غرب‌گرا با شاخص‌هایی مانند گرایش به دموکراسی، باور به برابری زن و مرد و نیز میزان محبوبیت امریکا به منزله نماد غرب سنجیده و نشان داده شد که مردم بیشتر کشورهای مورد مطالعه خواهان دموکراسی هستند، اما از امریکا هم نفرت دارند و در صدد افزایش برابری بیشتری



میان زن و مرد هستند. اما گفتمان سوم یعنی عمل‌گرا که در ورای ارزش‌های اسلامی و دموکراتیک، ثبات سیاسی و کارآمدی اقتصادی را جست‌وجو می‌کند، در کشورهای مورد مطالعه طرف‌داران جدی دارد.

بر این اساس، می‌توان پیش‌بینی کرد که سمت و سوی تمایلات و تحولات مردم خاورمیانه حرکت به سمت بر ساختن هویتی چندسویه حاصل مفصل‌بندی دال‌هایی مانند اسلام، دموکراسی و کارآمدی است.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۴۰

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

کتابنامه

- افروغ، عماد (۱۳۷۹)، «زیستن بدون جهان‌بینی»، قسمت دوم: گذر از گسست سنت و مدرنیسم، ۲۱ دی، نشریه خراسان.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۴)، فرهنگ علوم انسانی، تهران: مرکز.
- آقا گل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵)، تحلیل انتقادی گفتمان، تهران: علمی و فرهنگی.
- آشنا، حسام‌الدین؛ روحانی محمدرضا (۱۳۸۹)، «هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، س ۳، دوره ۳، ش ۴، صص ۱۵۷ - ۱۸۵.
- امام جمعه‌زاده، سیدجواد؛ رهبر قاضی، محمودرضا؛ مرندی، زهره (۱۳۹۲)، «تحول گفتمان هویت در ترکیه از کمالیسم به اسلام‌گرایی با تأکید بر حزب عدالت و توسعه»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، س ۱، ش ۳، پاییز، صص ۴۵ - ۷۲.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۲)، ایدئولوژی سیاسی و هویت اجتماعی در ایران، <http://www.andishesara.com>.
- بحرانی، مرتضی (۱۳۹۱)، «یک مانع فلسفی گذر به دموکراسی در بررسی»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۲، ش ۴، زمستان، صص ۱ - ۱۴.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۷۹)، «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، فصلنامه مطالعات ملی، س ۲، ش ۵، صص ۱۹۳ - ۲۲۸.
- حصاری، فرهاد، نوروزی، عزالدین و منوچهرآبادی، افشین (۱۳۹۲)، «نقش جهانی شدن و هویت اسلامی در جنبش‌های اسلامی منطقه»، فصلنامه مطالعات ملی، س ۱۴، ش ۵۳، صص ۹۷ - ۱۲۰.
- خبرگزاری فارس (۲۷/۱۱/۱۳۹۲)، قانون اساسی جدید تونس، رفتار هوشمندانه اسلام‌گراها، شماره: ۱۳۹۹۰۱۲۷۰۱۳۹۲.
- داوری، رضا (۱۳۷۶)، ناسیونالیسم و انقلاب، تهران: دفتر پژوهش و برنامه‌ریزی فرهنگی، چاپ اول.
- دستور جمهوری مصر العربیه ۲۰۱۴ فی موقع اینترنتی: <http://www.sis.gov.eg/Newvr/consttt%202014.pdf>.
- دومانلو، طیب؛ مقدم شاد، محمدرضا؛ فیرحی، داود (۱۳۹۳)، «دموکراسی یا اقتدارگرایی: ناکامی سیاسی اخوان المسلمین»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۴، ش ۱، بهار، صص ۲۸ - ۵۳.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴)، قدرت، گفتمان و زبان، تهران: نی.
- سلطانی، علی (۱۳۸۴)، تحلیل گفتمانی فیلم‌های سیاسی - اجتماعی، ۲۲ مهر.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۸)، میشل فوکو و انقلاب اسلامی، تهران: مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران.
- تاجیک، محمدرضا؛ روزخوش، محمد (۱۳۸۷)، «بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران از منظر تحلیل گفتمان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۶، ش ۶۱، صص ۸۳ - ۱۲۸.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۰)، جوان و بحران هویت، تهران: سروش، چاپ سوم.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۳)، «جوانان، رسانه‌ها و هویت»، معرفت، اسفند، ش ۸۷، صص ۱۰۲ - ۱۰۹.
داراب‌زاده، عاطفه؛ وثوقی، سعید؛ قربانی، محمد (۱۳۹۲)، «بررسی فرصت‌ها و چالش‌های گذار به دموکراسی در ترکیه از دهه ۱۹۸۰ تاکنون؛ از منظر نظریه سازه‌انگاری»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۳، ش ۴، زمستان، صص ۲۶ - ۴۸.

روزنامه اعتماد (۸/۱۱/۱۳۹۲)، «تصویب قانون اساسی جدید تونس»، ص ۶.
عبداللهی، محمد (۱۳۷۴)، «بحران هویت جمعی و دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران و تأثیر آن بر دینامیسم مبادله فرهنگی ایران و جهان»، نامه پژوهش، ش ۲ و ۳، صص ۶۳ - ۸۳.
قاسم‌زاده، ابوالقاسم (۲۵/۱۰/۹۲)، قانون اساسی جدید مصر (مرکز بزرگ دایره‌المعارف اسلامی)، <http://www.cgie.org.ir/fa/news/8622>

کچویان حسین (۱۳۸۷)، تطورات گفتمان‌های هویتی ایران ایرانی در کشاکش با تجدد و ما بعد تجدد، تهران: نی، چاپ سوم.

گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱)، جهانی شدن فرهنگ، هویت، تهران: نی.
گیدنز آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، تهران: نی.
معارفی محسن (۱۳۹۰)، نقش مطالبات اقتصادی در انقلاب و خیزش کشورهای عربی، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، جلد دوم.

معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۱)، هویت، روایت و تاریخ در ایران «ایران، هویت، قومیت»، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، صص ۲۵ - ۵۲.

میلز، سارا (۱۳۸۲)، گفتمان، (فتاح محمدی)، زنجان: هزاره سوم.
نظری، علی اشرف و سازمند، بهاره (۱۳۸۵)، گفتمان هویت و انقلاب اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.

هنوی، و. (۱۳۷۳)، «هویت ایرانیان از ساسانیان تا قاجاریه»، ایران نامه، س ۱۲، ش ۳.
همشهری آنلاین (۲۹/۱۰/۹۲)، گزارش رویترز از نتیجه همه‌پرسی قانون اساسی مصر.

<http://www.pewforum.org/files/2012/08/the-worlds-muslims-full-report.pdf>

<http://www.pewforum.org/2012/08/09/the-worlds-muslims-unity-and-diversity-5-religious-identity>

Tehrani, K. (1998), *Global Communication and Pluralization of Identities, in Futures*, Vol. 30 (2-3): 211 - 217.

http://www.sociologyencyclopedia.com/public/tocnode?query=identity&widen=1&result_number=2&from=search&id=g9781405124331_yr2012_chunk_g978140512433115_ss1-3&type=std&fuzzy=0&slop=1

Carmen Guanipa & Jose A. Guanipa (1998), *Ethnic Identity and Adolescence*, (copyright Dr. Carmen Guanipa), Pp. 1-3.

Rorty, R. (1994), *Contingency, solidarity and Irony* Cambridge university press.

به این مقاله این گونه استناد کنید:

مجیدی، حسن (۱۳۹۳)، «گفتمان هویتی در خاورمیانه بر پایه نتایج نظرسنجی های مؤسسه پیو» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۴، ش ۳، پاییز، ص ص ۱۱۳ - ۱۴۴.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

